

اندیشه خدای یگانه و وابستگی پدر فرزند، بخشی از وجدان فرد مصری و عامل آرامشبخش و وحدت دهنده دنیای درون او با آنچه در بیرون از او و در طبیعت می‌گذشت بوده است:^۱

تصور خدای یگانه خواندن اوراد، دعاها، برگزاری مراسم اعیاد و باوری به آغاز و انجام آفرینش به عواطف و تصورات فرد مصری جهت و شکل می‌داده است. در معبدی که در ممفیس بیاد بود پزشک نامی مصری امهوتپ^۲ ساخته شده آثاری بدست آمده است که جنبه‌های اختصاصی تری از درمانهای روانی را در برمی‌گیرد و می‌توان آنها را درمانهای اجتماعی^۳ نامید: بیمار را و می‌داشتند که بر روی رود نیل قایق رانی کند در مراسم موسیقی و رقص شرکت نماید و به نقاشی کردن و ترسیم صور بپردازد. هرودت^۴ نقل می‌کند که هر مصری یک بار در ماه را برای نظافت خود اختصاص می‌داد.

کاهنان بیماران روانی را جداگانه طبقه‌بندی می‌کردند و دستورالعملهای تلقین کننده برای مداوای آنها بکار می‌بردند.

۳ - یهود و یهودیان (آزمایشگاهی برای رواندرمانان)

یادآور می‌شویم که در جریان این مسیر جستجوگر عواملی هستیم که نقش سازنده و آرامش بخش در سازمان شخصیت و بروز رفتارهای فردی و جمعی اقوام مورد بحث داشته است. باوریهای مردم را از پیدایش، آفرینش، خدا، نیروهای آفریننده و از پایان سرنوشت مورد پرسش قرار می‌دهیم. و انعکاس آنها را در دنیای درون و برون آن مردم بررسی می‌کنیم. به نظرمی‌رسد که اتخاذ این شیوه ما را به واقعیت نزدیکتر می‌سازد. بجای آنکه به انسان فلسفی و انتزاعی از زبان فلان فیلسوف، شاعر، متفکر، قانون گزار و حکمران بپردازیم به جستجوی انسان واقعی پرداخته‌ایم. انسانی که می‌خواهد، می‌خورد، خانواده تشکیل می‌دهد، جنگ می‌کند

^۱ انسان و سمبولهایش کارل گوستا و یونگ ترجمه ابوطالب صارمی چاپ سپهر ۱۳۵۹ - صفحه

۱۱۹ و ۱۳۲

^۲ Imhotep

^۳ Sociotherapie

^۴ Herodote

عبادت و نذر و نیاز دارد، عاشق می‌شود کینه می‌ورزد، بزرگ می‌شود با رنجها دست به گریبان می‌شود و سرانجام می‌میرد.

قوم یهود نیز از این قاعده مستثنی نیست. آنچه که این قوم امروز در جهان می‌کند و به آن شهرت دارد نمودی از ساخت درونی و انعکاس باوریه‌ها، تضادها و تعارضات اوست. انسجام و تداوم قوم یهود یکی از دشوارترین پدیده‌های روانشناسی فردی-جمعی را تحقق بخشیده است. رابطه فرد با جامعه همواره مورد توجه روانشناسان و رواندرمانان فردی و گروهی بوده است. مراجعین کلینیک‌های رواندرمانی همیشه موضوع این پرسش بوده اند که تا چه اندازه متأثر از اجتماع خانواده و گروه‌هایی هستند که در آن زندگی می‌کنند؟ وقتی رواندرمان با کانون خانواده سر و کار دارد می‌خواهد بداند روابط خانوادگی چگونه در مراجع اثر گذاشته است؟ و رفتار او تا چه حد منعکس کننده و مبین رفتار جمعی خانوادگی است؟ آیا میان روان‌نژندیهای و تعارضات جمعی با فرآیندهای عصبی فردی همسانی و یا همبستگی وجود دارد؟ آیا جامعه و تعارضاتش می‌تواند معرف بیماری و یا سلامت افراد و حالات روانی آنها باشد؟ آیا روابط، تضادها، تنش‌ها، انسجام و عدم انسجام جامعه می‌تواند به شناخت این پدیده‌ها در فرد یاری دهد؟

آزمایشگاهی بزرگ:

خواننده‌ای که تورات را پس از مدتی شکیبانی به زمین می‌گذارد و آنچه را که خوانده است مورد پرسش و تجدید نظر قرار می‌دهد، بی اختیار جامعه‌ای را در نظری می‌آورد که امروز بنام بنی‌اسرائیل و یهود در کناره شرقی سواحل مدیترانه در تلاطم و اضطراب است و همچون یهود موجب وحشت، کشتار، انتقام، بی‌مهری و قهر مردم خود و همسایگان است.

- آیا جامعه اسرائیل دنیای کینه جوئی، لجاجت، حيله‌گری، تکبر، غرور و نژادپرستی انسان

یهودی است که برونی شده است؟

- آیا این آزمایشگاهی نیست که برای اولین بار انسان می‌تواند خرسند باشد که تمام

زوایای درون یک انسان، انسان یهودی برونی شده است و برای ارزیابی و تحقیق آماده است؟

- آیا می‌توان گفت که روح یهودی و جامعه یهودی در سلامت و بیماری یکسانی دارند:

هر دو انعکاسی از دنیای پرتو هم و پر تضاد تورات است؟ دنیایی که از شهوت، جنگ، خشم، عشق، حيله، تردید، شکایت، شکنجه، فریاد، نفرین، تجاوز، انتقام، برتری خواهی و خود کامگی لبریز است؟ آیا مقدر این بوده است که دنیای تصورات و خیالات تورات در دنیای

درون انسان یهودی و این هر دو در ساخت جامعه اسرائیل تحقق یابد و برای نظریه سازان و محققان رواندرمانی امکانات و تسهیلات گرانباری را باقی گذارد؟ اینکه تا چه اندازه یافته‌های این آزمایشگاه می‌تواند مورد استفاده و استناد باشد پرسشی است که در نفی و یا قبول آن باید تأمل کرد. در حال حاضر قضاوتها و پرسشهایی را برای دستیابی به نظریه‌ای وسیعتر پیشنهاد می‌کنیم:

- آیا تورات دنیای متعارض و پر تضادی است که بنحوی نمادین مبین "بخش ناآگاهی دنیای درون مردان و زنان اسرائیلی است؟"

- آیا روابط درون گروهی و برون گروهی جامعه یهود واقعیت گویایی از تنش‌ها، تضادها، اضطرابها، پرخاشگریهایست که سازنده ساختهای هیجانی و عاطفی افراد یهودی است؟

- آیا حصار و چهره ترسناکی که جامعه یهودی در اسرائیل کنونی و در جوامع دیگر برای خود ساخته است نمونه بارزی از همانندی این قوم با "تصویر یهوه" ترسناکی نیست که در تورات ترسیم شده است نیست؟

- آیا رفتار خودآزاری، دگرآزاری را یهودیان با تقلید ناآگاهانه از خلق و خوی یهوه نشان می‌دهند؟

یهوه و خدایان یهود:

ویل دورانت ضمن بحث مبسوطی درباره خدایان صفات و خلق و خوی آنان به ویژه یهوه می‌نویسد: 'یهودیان در آغاز پیدایش خود بر صحنه تاریخ بدویان بیابانگردی بودند که از اجنه هوا می‌ترسیدند و سنگ و چهار پا و ارواح غارها و تپه‌ها را می‌پرستیدند. هرگز از پرستش گاو و گوسفند و بره غافل نماندند و حضرت موسی چنانکه می‌دانیم نتوانست عادت گوسفند طلائی پرستیدن را به تمامی از میان قوم خود ریشه کن کند زیرا عبادت و تقدیس مصریان نسبت به گاو نر هنوز از یادها نرفته بود و مدتهای دراز این جانور نیرومند علفخوار رمز یهوه بشمار می‌رفت. مار در نظر یهودیان مانند بسیاری از ملتهای دیگر جانور مقدسی نبود و آن را رمز نری و باروری می‌دانستند و نیز این حیوان نماینده حکمت و زیرکی و جاودانگی بشمار می‌رفت. بعضی از عبرانیان بعل را بصورت سنگی مخروطی مجسم می‌ساختند و آنرا تقدیس می‌کردند و به تصور ایشان اصل نری در تولید مثل بشمار می‌رفت و عنوان شوهر

زمین و بارور کننده آن را داشت. سحر نیز در آداب پرستش قدیم وجود داشت. مردم موسی و هارون را جادوگر و مروج غیبه‌گویی و سحر می‌دانستند. هنوز هم یهودیان به پیشگویی آینده با کمک نرد^۱ می‌پردازند تا به مشیت خدایان پی ببرند اما کاهنان یهود تنها به نیروی سحری، نیروی قربانی و نماز و صدقه ایمان داشتند. بنظر می‌رسد که یهودیان فاتح یکی از خدایان کنعانی بنام یاهو^۲ را انتخاب کرده و از آن خدائی سخت و جنگاور و گردن فراز مطابق تصور خود ساختند و محدودیتهایی برای آن قائل شدند که آدمی دوستار آنست. مثلاً آن خدا از مردم نمی‌خواهد که معتقد به همه چیز دانستی او باشند. شاهد بر این مدعا آنست که وی از یهودیان خواست که بر خانه‌های خود خون گوسفندان قربانی بپاشند، تا چون خدا بخواهد مردم مصر را هلاک کند آنان را بشناسد و نادانسته هلاکشان نسازد، دیگر آنکه این خدا معصوم از خطا نیست و بدترین خطایی که از وی سر زده آفرینش آدم و رضایت دادن به پادشاهی شاول^۳ بوده است که از آن پشیمان شده و در آن زمانی این پشیمانی به وی دست داد که فرصت گذشته بود. گاهگاهی علامت حرص، شر، خشم، عطش خون، هوس و کج خلقی در این خدا مشاهده می‌شود: از مکر و حيله‌ای که یعقوب برای انتقام گرفتن از لابان بکار برد خرسند است ضمیر و وجدان وی قابلیت انعطاف دارد: «رافت می‌کنم بر هر که رئوف هستم و رحمت خواهم کرد بر هر که رحیم هستم». پرگو است و سخنرانی دراز را دوست دارد با شرم است و به مردم اجازه نمی‌دهد که جز پشت جای دیگری از بدن او را نظاره کنند. هرگز خدایی تا این درجه بصورت آدمی دیده نشده. چنان به نظر می‌رسد که این خدا نخست خدای تندر بوده و در کوهها می‌زیسته و مردم به همان سبب او را می‌پرستیدند. در روزهای طوفانی مؤمن می‌شدند.

نویسندگان اسفار پنجگانه^۴ یهوه را همچون خدائی جنگجو تصویر می‌کنند که پیوسته بندگان را به کشورگشایی و پیروزی می‌خواند و با همان دلیری و نیرویی که خدایان کتاب

^۱ Urin

^۲ در میان آثار باستانی که در کنعان یافت شده پاره‌های سفالی از دوره فرغ (۳۰۰۰ ق - م) وجود دارد که بر آنها نام خدای کنعانی «یاه» یا «یاهو» نقش شده است.

^۳ شاول پادشاهی بود که دچار بیماری روانی شد در دوران سلطنت خود به انواع اعمال نادرست سرشار از کینه‌جویی، لجباجت و خودکامگی دست زد.

^۴ کتاب مقدس عهد عتیق - سفر پیدایش تا سفر تثبیه، ترجمه فارسی از زبانهای اصلی عبرانی، کلدانی و یونانی

"ایلیاد" جنگ می‌کردند، بخاطر ملت یهود به جنگ می‌پرداخت. موسی در این باره می‌گوید که: "خداوند مرد جنگی است" و داود همین مضمون را به این صورت می‌آورد که: "دستهای مرا به جنگ تعلیم می‌دهد" و یهوه چنین وعده می‌دهد: "هر قومی را که بدیشان برسی متحیر خواهم ساخت و جمیع دشمنانت را پیش تو روگردان خواهم ساخت" و می‌گوید که همه زمینهایی که یهودیان گشوده‌اند از آن من است. وی با صلح و صفای بی معنی سر و کار ندارد و معتقد است که حتی ارض موعود جز با شمشیر بدست نخواهد آمد و جز با شمشیر باقی نخواهد ماند. یهوه مانند سربازی بخود می‌بالد و با ولع فراوان خواستار حمد و ستایش است، اصرار دارد که با غرق کردن مصریان قدرت خود را نمایش دهد: "مصریان خواهند دانست که من یهوه هستم وقتی که از فرعون و ارابه‌هایش و سوارانش جلال یافته باشم". برای آنکه ملتش پیروز شود اقسام وحشیگری را مرتکب می‌شود و یا به ارتکاب آنها فرمان می‌دهد و این وحشیگری‌ها همان اندازه که در نظر ما نفرت‌انگیز است با اخلاق و روحیه قوم یهود سازگاری داشته است. امروز نیز نمونه‌هایی از آن را در روحیه جمعی یهودیان اسرائیل می‌بینیم و چون قوم اسرائیل با دختران موآب زنا کردند، خداوند به موسی گفت که تمامی رؤسای قوم را گرفته ایشان را برای خداوند پیش آفتاب بدار بکش تا شدت خشم خداوند از اسرائیل برگردد.

رحمت و مغفرت خود را شامل کسانی قرار می‌دهد که او را دوست دارند و فرمانش را می‌پذیرند، ولی مانند نطفه بیماریهای ارثی کار می‌کند: "من که یهوه خدای تو می‌باشم، خدای غیور هستم که انتقام گناه پدران را از پسران تا پشت سیم و چهارم از آنان که دشمن دارم می‌گیرم". به اندازه‌ای سخت انتقام است که می‌خواهد همه قوم یهود را به کیفر آنکه گوساله زرین را پرستیده‌اند هلاک کند و موسی ناچار از آن می‌شود که از وی مسئلت کند تا بتواند جلوی خود را بگیرد و از این کار منصرف شود. موسی به یهوه می‌گوید: "از شدت خشم خود برگرد و از قصد بدی به قوم خویش رجوع فرما پس خداوند از آن بدی که گفته بود، که به قوم خود برساند، رجوع فرمود".

یهوه آهنگ آن می‌کند که کوچک و بزرگ یهود را برای نافرمانی از میان بردارد ولی موسی رحمت وی را بیادش می‌آورد و به او می‌گوید: "که نیک بیندیشد که مردم پس از این کار درباره وی چه خواهند گفت". یهوه از ملت خود آزمایشهای بسیار سخت می‌خواهد. در این دین سخت و تاریک، آداب و شعائر با شکوه و تشریفات مسرت بخشی که در میان

پرستندگان خدایان مصری و بابلی رواج داشت دیده نمی‌شد. اندیشه یهودیان، با این فکر که آدمی در برابر پروردگار توانائی است که وی را تحت اداره خویش دارد و در مقابل این خدا فنای محض است، تاریک شده بود. با وجود کوششی که سلیمان کرد تا دین یهوه را با رنگ و نغمه زیبا سازد پرستش این خدای ترسناک تا قرنهای متمادی بیش از آنکه بر پایه مهر و محبت باشد مبتنی بر ترس بود.

پیدایش:

تورات اسرائیلیان را چنان معرفی می‌کند که یهوه تمام جهان و موجودات را تحت سلطه آنها قرار داده و برای آنان آفریده است. باب اول از سفر پیدایش می‌گوید: ((در ابتدا خدا آسمانها و زمین را آفرید ... پس از آنکه از آفرینش شب و روز، روشنایی، پرندگان، گیاهان، حیوانات و حشرات فارغ شد آنگاه انسان را آفرید. و خدا گفت آدم را بصورت ما و موافق شبیه ما بسازیم تا بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و بهایم و بر تمامی زمین و همه حشراتی که بر زمین می‌خزند حکومت کند. خدا گفت همانا همه علفهای تخمداری که بر روی تمام زمین است و همه درختهایی که در آنها میوه درخت تخمدار است به شما دادم تا برای شما خوراک باشد)). در باب دوم سفر پیدایش ادامه می‌یابد که: ((پس خداوند، آدم را گرفت و او را در باغ عدن گذاشت تا کار آن را بکند و آن را محافظت نماید و خداوند، آدم را امر فرموده، گفت از همه درختان باغ بی‌ممانعت بخور، اما از درخت معرفت نیک و بد زنهار نخوری، زیرا روزی که از آن خوردی هر آینه خواهی مرد. خداوند، خدا گفت خوب نیست که آدم تنها باشد پس برایش معاونی موافق وی بسازیم ... و خداوند، خدا خوابی گران بر آدمی مستولی گردانید تا بخفت و یکی از دنده‌هایش را گرفت و کوشش در جایش پر کرد و خداوند، خدا آن دنده را که از آدم گرفته بود زنی بنا کرد و وی را به نزد آدم آورد و آدم گفت همانا اینست استخوانی از استخوانهایم و گوشتی از گوشتم از این سبب نساء نامیده شود زیرا که از انسان گرفته شد^۱...))

پس از آنکه آدم و حوا را مار اغوا کرد و از درخت نیک و بد خوردند پس خداوند: ((به زن گفت الم و حمل تو را بسیار افزون گردانم با الم فرزندان خواهی زائید و اشتیاق تو به شوهرت خواهد بود و او بر تو حکمرانی خواهد کرد و به آدم گفت چونکه سخن زوجهات را

^۱ کتاب مقدس عهد عتیق - سفر پیدایش، باب چهارم

شنیدی و از آن درخت خوردی که امر فرموده و گفتم از آن نخوری پس به سبب تو زمین ملعون شد و تمام ایام عمرت از آن با رنج خواهی خورد. خار و خش نیز برایت خواهد رویانید و سبزیهای صحرا را خواهی خورد و بعرق پیشانیت نان خواهی خورد تا جینی که به خاک راجع گردی که از آن گرفته شدی زیرا که تو خاک هستی و بخاک خواهی برگشت ... و خداوند، خدا گفت همانا انسان مثل یکی از ما شده است که عارف نیک و بد گردیده اینک مبادا دست خود را دراز کند و از درخت حیات نیز گرفته، بخورد و تا ابد زنده بماند. پس خداوند، خدا او را از باغ عدن بیرون کرد تا کار زمین را که از آن گرفته شده بود بکنید. پس آدم را بیرون کرد و بطرف شرقی باغ عدن کرو بیان را مسکن داد و شمشیر آتشباری را که به هر سو گردش می‌کرد تا طریق درخت حیات را محافظت کند^۱)).

((اینست کتاب پیدایش آدم در روزی که خدا آدم را آفرید و شبیه خدا او را ساخت^۲))

پایان سرنوشت:

در سراسر تورات خدای کینه توز، تسلط طلب و حسود در برابر انسان بلامتکلیف قرار دارد. انسانی که نمی‌داند بالاخره کیست خدا است چون از درخت معرفت خورده است و خدا او را شبه خود ساخته است یا خدا نیست چون از درخت حیات منع شده و مردنی است. پس از آن همه رنج بالاخره به کجا می‌رود؟! آیا بهشت و دوزخ او در همین جهان است؟! در سراسر تورات گفتگویی صریح از قیامت و رستاخیز نیست، اگر مجازات و پاداشی است در روز و در مکانی نامشخص است که توهم این دنیا و یا در جای دیگری را در آدمی بر می‌انگیزد. نمونه‌ای از این تصویرسازی را در آخرین صفحات کتاب مقدس عهد عتیق می‌بینیم^۳.

"یهوه صبايوت" می‌گوید: "بسوی من بازگشت نمائید و من بسوی شما بازگشت خواهم کرد اما شما می‌گوئید به چه چیز بازگشت نمائیم، آیا انسان خدا را گول زند اما شما مرا گول زده‌اید و می‌گوئید در چه چیز تو را گول زده‌ایم. در عשרها و هدایا شما سخت ملعون شده‌اید زیرا که شما یعنی تمامی این امت را گول زده‌اید تمامی عשרها را به مخزنهای من بیارید تا

^۱ کتاب مقدس عهد عتیق - سفر پیدایش، باب سیم، ۱۹۴۷ - صفحه ۵

^۲ کتاب مقدس عهد عتیق - سفر پیدایش، باب پنجم

^۳ عهد عتیق - (کتاب ملاکی نبی) - باب سوم و چهارم

در خانه من خوراک باشد و یهوه صبايوت می‌گوید مرا به اینطور امتحان نمائید که آیا روزنهای آسمان را برای شما نخواهم گشاد و چنان برکتی بر شما نخواهم ریخت که گنجایش آن نخواهد بود.... آنگاه ترسندگان خداوند با یکدیگر مکالمه کردند و خداوند گوش گرفته ایشان را استماع نمود و کتاب یادگاری به جهت ترسندگان خداوند و به جهت آنانی که اسم او را عزیز داشتند مکتوب شد و یهوه صبايوت می‌گوید که ایشان در آن روزی که من تعیین نموده‌ام، ملک خاص من خواهند بود و بر ایشان ترحم خواهم نمود چنانکه کسی بر پسرش که او را خدمت می‌کند ترحم می‌نماید و شما برگشته در میان عادلان و شریران و در میان کسانی که خدا را خدمت می‌نمایند و کسانی که او را خدمت نمی‌نمایند تشخیص خواهید نمود.^۱

باب چهارم: زیرا اینک آنروزی که مثل تنور مشتعل می‌باشد خواهد آمد و جمیع متکبران و جمع بدکاران آگاه خواهند بود و یهوه صبايوت می‌گوید آن روزی که می‌آید ایشان را چنان خواهد سوزانید که نه ریشه و نه شاخه برای ایشان باقی خواهد گذاشت، اما برای شما که از اسم من می‌ترسید آفتاب عدالت طلوع خواهد کرد بر بالهای وی شفا خواهد بود و شما بیرون آمده مانند گوساله‌های پرواری جست و خیز خواهید کرد و یهوه صبايوت می‌گوید شریران را پامال خواهید نمود زیرا در آن روزی که من تعیین نموده‌ام ایشان زیر کف پایهای شما خاکستر خواهند بود تو راه بنده من موسی را که آن را با فریاض و احکام به جهت تمامی اسرائیل امر، فرمودم بیاد آورید. اینک من او را قبل از رسیدن روز اعظم و مهیب خداوند نزد شما خواهم فرستاد و او دل پدران را بسوی پسران و دل پسران را بسوی پدران خواهد برگردانید مبدا بیایم و زمین را به لعنت بزنم.^۱

بیماری یا سلامت:

تصوری که هر یهودی از پیدایش خدا و پایان سرنوشت خود پیدا می‌کند، در مقایسه با دنیای مشابه آن در مصریان و ایرانیان بیشتر به کابوسی می‌ماند که کششهای متضادی در آن زور آزمائی می‌کند و آدم یهودی در تضادها سرگردان است: عزیز کرده خداست اما هیچ قدرتی ندارد و کاری جز آنچه از او خواسته نباید انجام دهد. نوجوانی است که در برابر پدر و مادری بهانه‌گیر، سلطه طلب، در حسرت آزادی و استقلال می‌میرد و هرگز نمی‌فهمد که سرانجام

^۱ کتاب مقدس عهد، عتیق، کتاب ایوب

چگونه است و کجاست؟! بالاتر از همه یهوه حيله می‌کند و آنچه وعده می‌دهد برای تحقق در این جهان یا اتفاق نمی‌افتد و یا برخلاف وعده‌های اوست. خدای سنگین دل و بی‌رحم او از اینکه فرزندان خود را بازیچه ساخته هیچ نگران نیست. برای رهایی از این عذابست که قوم یهود به یک مکانیسم دفاعی خطرناکی پناه می‌برد. همانندی با متجاوز^۱ او می‌کشد، منهنم می‌کشم، او جز با کشتن و مجازات کردن نمی‌تواند خدا بماند من نیز چنین‌ام. در قرن بیستم قوم یهود که خود مورد تجاوز نازیها قرار گرفته‌اند بسیاری از همان شیوه‌های پرخاشگرانه، شکنجه‌ها، حيله‌ها، تحقیرها و برتری‌خواهی را در برابر اعراب فلسطین نشان می‌دهند چنانست که گویی بیش از هر قوم دیگری آمادگی درونی برای بروز این مکانیسم‌های بیمارگونه روانی را دارد. نازیها برای یهودیان توهمی از خدای سخت و زورگو بودند و امروز آنان برای فلسطینیان این نقش را بازی می‌کنند. اینها فرزندان همان خدا هستند. در رفتار با فلسطینیان تورات بوضوح خصومت دیرین و جدالهای قومی بنی‌اسرائیل را با آنها نشان می‌دهد سرگذشت شاول و داود انباشته از این ماجراهاست.^۲

بلا تکلیفی و شک از آنجاست که یهودی می‌داند از کجاست و برای چه آمده اما نمی‌داند به کجا خواهد رفت و برای چه می‌رود، بهمان اندازه که نقطه پیدایش رنگین و روشن است نقطه پایانی تاریک و نامعلوم است. این ابهام و بلا تکلیفی دلهره‌انگیز در نهایت پرخاشگری، انکار، ناباوری، فرصت طلبی بی‌ارزشی و پوچی را باعث می‌شود. در کتاب ایوب^۳ نمونه‌هایی از این حالات را مشاهده می‌کنیم:

ایوب با آنکه بر تمام مصیبت‌ها شکیبائی می‌ورزید و آنها را بخاطر یهوه تحمل می‌کرد اما همواره در این کشمکش و تعارض بود که چرا خدا چنین می‌کند؟ چرا خوبان و نیکان را رنج می‌دهد، ولی بدکاران را در ناز و نعمت نگاه می‌دارد؟

چرا انسان نباید از علل بی‌نوائی و درماندگی خود با خیر باشد؟

خواننده‌ایکه داستان حزن‌انگیز ایوب را دنبال می‌کند پیوسته در شگفت است که چگونه خدای یهودیان در پشت صحنه‌ها همه جا حاضر است، با شیطان رویارو می‌شود، و برای

^۱ Identification a l'agresseur

^۲ پس از آن که ماجرای فلسطینیان و اسرائیل را در تورات می‌خوانیم گویی آن ماجراها امروز نیز در اسرائیل تکرار می‌گردد.

^۳ کتاب مقدس، عهد عتیق، کتاب ایوب

آزمایش قدرت در برابر رقیب لجوج و کینه توز خود، ایوب بنده خوب و فرمانبردار خویش را تسلیم او می‌نماید، تا به سخت‌ترین عقوبت‌ها دچار سازد. خدا با کمال خونسردی ناظر بلاهایی می‌شود که از نابکارترین دشمنانش بر وفادارترین دوستانش روا می‌شود. آیا این نظاره‌گری خونسردانه و آمیخته با لذتی غرورآمیز بر صحنه‌های درد و رنج را قوم یهود به تقلید از یهوه آموخته است؟ آیا روحیه آمیخته به خودآزاری و دگرآزاری را بنی‌اسرائیل ناآگاهانه از یهوه به ارث برده است؟ آیا خوی و خلق یهوه زیربنای ناخودآگاهانه تظاهرات فردی و جمعی یهودیان است؟ آیا باید باور کرد که کار روان‌درمانی هر فرد یهودی را باید با آگاهی عمیق از خلق و خوی انبیا و خدای تورات شروع کرد؟ آیا اینها زیر بنای اوهام، رؤیاهای، تعارضات و انحرافات آنها نیستند؟ با تکیه به این واقعیت‌ها است که سرنوشت این قوم را آزمایشگاهی واقعی برای تحقق فرضیاتی می‌دانیم که ما در آغاز و در جریان این بحث مطرح کردیم. داده‌های این آزمایشگاه بر اصولی صحنه می‌گذارد که می‌تواند بصورت طرح کلی در شناخت و تحلیل پدیده‌های بیمار و یا سالم روابط متقابل فرد با جامعه بکار گرفته شود و اثرات نمادین آغاز و پایان آفرینش و باوریه‌های انسان را به آفریدگار خود نشان دهد.

بیماریها و درمانها:

نتایج همانندی یهودی و جامعه یهود با یهوه، عوارضی در ساخت روانی افراد و سازمان کلی جامعه اسرائیلی بوجود آورده است که هر یک از آنها می‌تواند بعنوان یک عامل تعیین کننده بیماریهای روانی و یا جهت دهنده به شیوه‌های درمانی باشد. ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. اهمیت این داده‌ها آنست که بسیاری از آنها بصورت رویه‌های رفتاری فردی و یا جمعی در جوامع و مردم جهان با شدت و ضعف متفاوت یافت می‌شود:

روان‌نزدی در نژادپرستی:

مفهوم (ملت برگزیده) فرزند خدا، فرستاده یهوه، اختیاردار تمام موجودات... توهمات است که سراسر وجود اسرائیلی عادی و عامی تا روشنفکرترین آنها را در بر گرفته است.^۱

^۱ در میان روشنفکران یهودی‌نژاد ژان پل ساتر را به یاد داریم، با آن که فریاد اعتراض نسبت به اعمال یهودیان برداشت ولی چندی بعد به اصل خود رجعت کرد و بر اعمال اسرائیلیان صحنه گذاشت. نمونه‌های او آنقدر زیاد است که آدمی را بر این باوری می‌دارد که این گونه تظاهرات در یک اسرائیلی، بازتاب روان‌نزدی جمعی است.

اسرائیل شاهان^۱ با عنوان نژاد پرستی دولت اسرائیل مجموعه ای را فراهم ساخته که در آن رفتار نژادپرستانه با کارها و صفات زیر توصیف می‌شود:

سرکوبی، تنبیه کردن بدون دلیل، گناهکار دانستن، ویران کردن، شکنجه دادن، مشاجره و جدالهای عقیدتی، تروریسم، زورگوئی، تصاحب و تملک اموال دیگران، بیگاری کشیدن از دیگران، امتیازات تربیتی و اجتماعی به خود و فرزندان خود دادن. بمباران، اعدام، اسارت و زندان ... گرچه این رفتارهای روان‌نگونه را در نژاد پرستان آفریقای جنوبی می‌بینیم تفاوت اینست که در اسرائیل انگیزه و توجیه مذهبی دارد و آنچه را به نام نژادپرستی صیهونیسیم می‌شناسیم واقعیت بیمارگونه این پدیده است.

درد و درمان از خداست:

در آئین یهود می‌بینیم که علت بیماری، دردها و درمانهای جسمی و روحی از جانب مبادا مقتدر و واحد (یهوه) است در حالیکه در تمدنهای بابل، مصر و ایران دردها و درمانهای روانی به فرشتگان دیوها و یا خدایان متعدد و جدا از یکدیگر نسبت داده می‌شد.

بیماری روانی یکی از سخت‌ترین مجازات‌های یهوه است از آنجا که انبیا یهود از جانب او آمده‌اند پس می‌توانند نقش شفا دهنده را به نیابت به عهده گیرند. در عهد عتیق ماجرا شفای پیسی (برص) را چنین می‌گوید^۲:

((... و نعمان سردار لشکر پادشاه آرام در حضور آقای مردی بزرگ و بلند جاه بود زیرا خداوند بوسیله او آرام را نجات داده بود و آن مرد جبار، شجاع ولی برص^۳ بود و فوجهای آرامیان بیرون رفته، کنیزکی کوچک از زمین اسرائیل را به اسیری آوردند و او در حضور زن نعمان خدمت می‌کرد و به خاتون خود گفت کاشکی آقایم در حضور نبی که در سامره است می‌بود که او را از برص شفا می‌داد، پس کسی درآمد آقای خود را خیر داده گفت کنیزی که از ولایت اسرائیل است چنین و چنان می‌گوید، پس پادشاه آرام گفت بیا برو و مکتوبی برای پادشاه اسرائیل می‌فرستم پس روانه شد و ده وزنه نقره و شش هزار مثقال طلا و دو دست لباس بدست خود گرفت و مکتوب را نزد پادشاه اسرائیل آورد و در آن نوشته بود که الان چون این مکتوب به حضورت برسد اینک بنده خود نعمان را نزد تو فرستادم تا او را از برص

^۱ نژادپرستی دولت اسرائیل. اسرائیل شاهان - ترجمه امان‌الله ترجمان، چاپ ۱۳۷۵ انتشارات توس.

^۲ کتاب مقدس - عهد عتیق کتاب دوم پادشاهان باب پنجم آیات ۱ تا ۱۴

^۳ برص = پیسی

شفا دهی اما چون‌الیشع مرد خدا شنید که پادشاه اسرائیل لباس خود را دریده است، نزد پادشاه فرستاده گفت لباس خود را چرا دریدی او نزد من بیاید تا بدانند در اسرائیل نبی هست، پس نعمان با اسبان و عربهای خود آمده نزد در خانه‌الیشع ایستاد و الیشع رسول نزد او فرستاد گفت برو و در اردن هفت مرتبه شست و شو نما و گوشتت به تو برگشته ظاهر خواهی شد، اما نعمان غضبناک شده رفت و گفت اینک گفتم البته نزد من بیرون آمده خواهد ایستاد و اسم خدای خود یهوه را خوانده و دست خود را بر جای برص حرکت داده، برص را شفا خواهد داد ... کاهنان یهود بیش از پزشکان برای شفا دادن اهمیت داشتند زیرا آنان از قدرت یهوه یاری می‌جستند. آسا یکی از پادشاهان است، بعلت آنکه از کاهنان و خداوند برای بیماری خود یاری نخواسته و به پزشکان رجوع کرده سرزنش می‌شود.^۱ کاهنان از ساختمان بدن اطلاعات خوبی داشتند زیرا حیوانات قربانی را با نظم خاصی قطعه قطعه و تقسیم بندی می‌کردند. نام بسیاری از اعضا و اندامهای بدن در تورات آورده شده است اما از مغز نامی نیست. قلب را جایگاه احساسات و عقل می‌دانستند و حیات را در خون می‌پنداشتند. دیوانگی و امراض روانی نیز از جانب یهوه می‌آمد.

مداوا با موسیقی:

بیماری ساو^۲ در تورات مشهور است، ساو^۳ حسادت ورزید، با داود در افتاد و به بیماری روانی گرفتار شد که نوعی افسردگی اضطراب آلود^۳ بود و روح خداوند از ساو^۲ دور شد و روح بد از جانب خداوند او را مضطرب ساخت و بندگان ساو^۲ وی را گفتند اینک روح بد از جانب خداوند تو را مضطرب می‌سازد. پس آقای ما بندگان خود را که بحضورت هستند امر فرمائید تا کسی را که بر بریط نواختن ماهر باشد بجویند و چون روح بد از جانب خدا بر تو بیاید بدست خود بنواز و تو را نیکو خواهد شد ساو^۲ به بندگان خود گفت الان کسی را که بنواختن ماهر باشد برای من پیدا کرده نزد من بیاورید و یکی از خادمانش در جواب وی گفت اینک پسر یسایت الحمیرا را دیدم که بنواختن ماهر و صاحب شجاعت و مرد جنگ آزموده و فصیح زبان، متشخص و نیکو صورت است و خداوند با وی می‌باشد. پس اول قاصدان نزد یسا فرستاده گفت پسرت داود را که با گوسفندان است نزد من بفرست ... و

^۱ کتاب مقدس: عهد عتیق، کتاب دوم تواریخ ایام، باب شانزدهم آیه ۱۲

^۲ Saul

^۳ Agitation depressive

واقع می‌شد هنگامیکه روح بد از جانب خدا بر ساول می‌آمد که داود بریبط گرفته به دست خود می‌نواخت و ساول را راحت و صحت حاصل می‌شد و روح بد از او می‌رفت.^۱
این همان داستان نی شفا بخش داود است که در داستانهای ما و میان شعرای ما رایج است. درمان با صدای خوش و آوای بریبط داودی همواره تکرار می‌شده است.
و در فردای آن روز روح بد از جانب خدا بر ساول آمد در میان خانه شوریده احوال گردید و داود مثل هر روز بدست خود می‌نواخت....^۲

درمان با دعا و ندبه:

کتاب مزامیر داود^۳ با چنان صوت و احساسی بیان می‌شود که اگر آن را با آهنگ و وزن و موسیقی شعری در زبان اصلی آنگونه که بر زبان سرایندگان جاری می‌شده است تصور کنیم در اثرات معجزه‌آسای آنها نمی‌توان تردید داشت. دعاها، و سرودها و ندبه‌ها از زبان کسانی است که دچار اضطراب، ترس، ناامیدی، زیان و ضرر، حمله و شکنجه، مصیبت.... و رنجهای روانی دیگر شده‌اند. این سرودها را با موسیقی همراه می‌ساختند و بصورت دعا و ندبه زمزمه می‌کردند که از آن همه رنج خود را رهائی بخشند و سرودهای داود سرگذشت غمها، جنگها، شکستها، پیروزیها، آرزوها، جاه طلبی‌ها، تحقیرها و افتخارهای... قوم یهود است. همراه با شخصیت‌ها حوادث، آداب، سرودها و ندبه‌های یاد شده در تورات است که فرد یهودی خود را با قوم خویش و با یهوه با داود، با سلیمان با ایوب، با موسی، با ساول، با سموئیل... همانند می‌سازد. ذیلاً نمونه‌هایی از این مزامیر را نقل می‌کنیم. مزبور ششم، مزبور داود: ((ای خداوند مرا در غضب خود توییح منما و مرا در خشم خویش تادیب مکن، ای خداوند بر من کرم فرما زیرا که پزمرده‌ام ای خداوند مرا شفا ده زیرا که استخوانهایم مضطرب است و جان من بشدت پریشان است، پس تو ای خداوند، تا به کی ای خداوند، رجوع کن و جان مرا خلاصی ده، به رحمت خویش مرا نجات بخش زیرا که در قوت کیست که تو را حمد گوید، از ناله خود مانده‌ام، تمامی شب تخت خواب خود را غرق می‌کنم و بستر خویش را با اشکها تر می‌سازم،

^۱ کتاب مقدس، عهد متیق کتاب اول سموئیل، باب شانزدهم، آیه ۱۴ تا ۳۳

^۲ کتاب مقدس، عهد عتیق، کتاب اول سموئیل، باب هیجدهم آیه ۱۰ تا... یادآور می‌شویم که درمان با موسیقی Musicotherapie از شیوه‌های پیشرفته رواندرمانی است که در بخشهای آینده... این مجموعه ملاحظه می‌کنید.

^۳ ادیان بزرگ جهان: هاشم رضی، انتشارات آسیا ۱۳۴۴ صفحه ۳۷۵-۳۶۱

چشم من از غصه کاهیده شد، و به سبب همه دشمنانم تار گردید. ای همه بدکاران از من دور شوید زیرا خداوند آواز گریه مرا شنیده است، خداوند استغاثه مرا شنیده است، خداوند دعای مرا اجابت خواهد نمود همه دشمنانم بشدت خجل و پریشان خواهند شد، رو برگردانیده ناگهان خجل خواهند گردیده.^۱»

دعاها و ندهها گاهی با آوازهای دسته جمعی و موسیقی همراه بوده است و در کنار ناله‌ها و تضرعات فردی فریادها و نعره‌های شادی و شوق گروهی وجود دارد:

«... مزمور سی و نهم^۲ ای صالحان در خداوند شادی نمائید، زیرا که به تسبیح خواندن راستان را می‌شاید، خداوند را با بریض حمد بگوئید با عود ده تار او را سرود بخوانید، سرودهای تازه برای او بسرائید نیکو بنوازید با آهنگ بلند زیرا کلام خداوند مستقیم است و جمیع کارهای او با امانت است، عدالت و انصاف را دوست می‌دارد، جهان از رحمت خداوند پر است، به کلام خداوند آسمانها ساخته شد و کل جنود آنها بنفحه دهان او آبهای دریا را مثل توده جمع می‌کند و لجه‌ها را در خزانه‌ها ذخیره می‌نماید، تمامی اهل زمین از خداوند بترسند، جمیع سکنه ربع مسکون از او بترسند زیرا که او گفت و شد، او امر فرمود و قائم گردید، خداوند مشورت امتها را باطل می‌کند، خوش به حال امتی که یهوه خدای ایشان است و قومی که ایشان را برای میراث خود برگزیده است ... اینک چشم خداوند بر آنانی است که از او می‌ترسند بر آنانی که انتظار رحمت او را می‌کشند تا جان ایشان را از موت رهائی بخشد و ایشان را در قحط زنده نگاه دارد، جان ما منتظر خداوند می‌باشد. او اعانت و سپر ما است زیرا که دل ما در او شادی می‌کند و در نام قدوس او توکل می‌داریم، ای خداوند رحمت تو بر ما باد چنانکه امیدوار تو بوده‌ایم ...»

تلمود، افسانه‌ها، اخبار و روایات آن:

برخی از محققین در تلمود^۲ که به منزله مکمل تورات است مطالبی را یافته‌اند که با قواعد رایج روان‌رمانی و روان‌کاوای همسازی دارد. کاهنان و حکمای آئین یهود^۳ که بنا به باوری مردم همه چیز را می‌دانستند بر پایه این قواعد اظهار نظر می‌کردند و از آن جمله است:

^۱ کتاب مقدس، عهد عتیق، کتاب مزامیر، مزمور سی‌سیم.

^۲ Tolmud

^۳ Rabbin

برونفکنی: حکمای یهود معتقد بودند که "آدمی تمایلات واپس زده را به حساب دیگران می‌گذارد" آنچه که ما از اصول شناخته شده برونفکنی می‌دانیم با باوری آنها مطابقت دارد.^۱

رؤیا: صحنه برآورده شده هوسها است. این قاعده روانکاوی را حکمای یهود، در توجیه احوال "دیوانگان" بکار می‌برند: معتقد بودند که مردم دیوانه خوابهای شهوانی و بد می‌بینند، خوابهایی که شهوات ممنوعه و غیر اخلاقی در آنها فرصت بروز پیدا می‌کنند.

تداعی آزاد: یکی از حکمای یهود^۲ به بیماران رنج دیده خود توصیه می‌کرد که آزادانه از غمهای خود سخن بگویند که با قاعده تخلیه لفظی هیجان‌ات^۳ و شیوه تداعی آزاد همسانی دارد.

یکی دیگر از حکما توصیه می‌کرد که هنگام مداوا افکار دیوانگی را از بیماران منحرف کنید.

در آغاز این بحث جامعه یهود را آزمایشگاهی معرفی کردیم که در (آن رفتارهای جمعی انعکاسی از ساخت درونی و شخصیت افراد است و شخصیت یهودی نیز ساخته و پرداخته نمادها و ارزشهای یهود و انبیاء تورات است، جامعه یهودی برای نمایش تأثیر و تأثر و روابط متقابل جامعه و فرد از یک سو و جامعه و ارزشهای نمادین رستاخیز، خدا و مرگ از سوی دیگر نمونه ای از یک آزمایشگاه است که تاریخ در اختیار ما گذاشته است. پدیده یهود و یهودیت در وضعیتی برای ما باقی مانده است که همانند یک آزمایشگاه عوامل دخالت کننده در شرایط آزمایش، ثابت و کنترل شده بوده است. اصرار یهودیان در حفظ آداب، سخن، نژاد، خانواده، اعیاد و بالاتر از همه مراسم مذهبی و باوری به تورات ... آنها را برای پژوهشگران بصورت آزمایشگاهی ایده‌ال در آورده است آزمایشگاهی که روانشناسان و رواندرمانان می‌توانند تحقق بسیاری از فرضیات خود را در باره رفتارهای سالم و ناسالم، ضعیف و افراطی ... ببینند و با توجه به تأثیر و تأثر فرد، جامعه و تورات (یهود، رستاخیز، انبیاء و مرگ) مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند!^۴

¹ Rabbihuna

² Rabbi-Asi

³ Catharsis verbale

^۴ در بخشهای آینده از نظریه مجتمع‌های روان فضا پویا (نظریه هنگامه‌ها)، نظریه‌ایکه در ده سال گذشته به ساخت آن پرداخته‌ایم. در این باره برداشتهای بیشتری خواهیم داشت.